

«تمرکززدایی در تاریخ»

تمرکززدایی، ابتدا در قرون نوزدهم و بیستم در عرصه‌ی سیاست و اقتصاد در واکنش به مشکلات سیستم‌های تمرکزگرا مطرح گردید. منظور از تمرکززدایی، فرایند توزیع یا انتقال قدرت، کارکردها، اختیارات برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری از مرکز یک موقعیت یا قدرت (مثل دولت مرکزی) به مقامات محلی، منطقه‌ای یا سازمان‌های غیر دولتی بوده است. هدف از تمرکززدایی، مشارکت گروه‌های زیرمجموعه‌ی قدرت در اداره‌ی امور خویش، به رسمیت شناختن تنوع و گونه‌گونگی افراد، گروه‌ها و اقلیت‌ها، افزایش کارایی در اداره‌ی امور یک کشور و حل اختلاف بین گروه‌های مختلف با خود یا بین آنها و حکومت مرکزی بوده است.

در همین راستا بعد از جنگ جهانی دوم، به منظور دوری از تأثیر مخرب اندیشه‌های نژادپرستانه و ملی‌گرایانه‌ی افراطی (شوونیسم) که در ایجاد دو جنگ جهانی نقش بارزی داشت، در نوع تاریخ‌نگاری و شیوه‌ی نقل و بررسی حوادث تجدید نظر شد. زیرا مورخان در این برهه، با مطالعه‌ی تاریخ پی بردند که در چنبره‌ی قدرت محدود شده‌اند و برای رهایی از این محدودیت باید به تکثر روی آورند و از تمرکزگرایی دوری نمایند. زیرا با دیدگاه گذشته نسبت به تاریخ نمی‌توانستند مشکلات روز را پاسخ دهند. از اینجا بود که ضرورت پرداختن به تاریخ‌های محلی مطرح گردید. زیرا تاریخ محلی نباید مرکز محور باشد و بل به سبب ویژگی کثرت‌گرایی خود نمی‌تواند تمرکزگرا باشد. در این نوع تاریخ‌نگاری هر موضوعی و هر موضعی قابلیت طرح و بررسی دارد و می‌تواند از زمان گذشته به حال و از عمق به سطح بیاید؛ همان موضوعات و مواضعی که در یک نگاه ملی و تمرکزگرا کم اهمیت هستند و به آنها پرداخته نمی‌شود.

اساساً در این نوع نگاه، از آنجا که مرکزی وجود ندارد که تاریخ بخواهد حول و حوش آن مرکز (کانون‌های قدرت) شکل بگیرد، همه چیز برای مورخ می‌تواند مهم باشد. بنابراین مورخ با در نظر گرفتن سهم عادلانه‌ی همگان در گذشته و حال بر اساس استعدادهای آنان، هم به دیگران برای تبیین گذشته و توضیح نقش خود در تاریخ اجازه‌ی مشارکت می‌دهد تا صدایشان شنیده شود و در تاریخ دیده شوند، هم تنوع و گونه‌گونگی اقلیت‌ها را به رسمیت می‌شناسد. با این حال، یک مورخ محلی نویسنده باید توجه داشته باشد که طرح تمایزات منطقه‌ای به معنای تفرقه‌افکنی نیست، بلکه توجه به ویژگی‌های محلی است. لذا مورخ باید از فضایل‌نویسی و تأکید بر افتخارات گذشته دوری کند و به جای آن به مسائل حال و استعدادهای کنونی بپردازد تا هم از منازعه و اختلاف‌انگیزی دوری کرده باشد و هم تاریخی عمل‌گرا برای پاسخ‌گویی به مشکلات روز نوشته باشد. چنین مورخی در عین اینکه به اهمیت نقش همگان در تاریخ اذعان دارد و از چنین منظری به جست‌وجو و بررسی در منابع تاریخی می‌پردازد، باید از یک بینش کلی و ملی هم آگاه باشد و این دو دیدگاه را در طول هم و نه در عرض یکدیگر قرار دهد.

پیامدهای تمرکززدایی در تاریخ:

۱- یکی از پیامدهای مهم چنین رویکردی به تاریخ، آزادسازی است. به این معنا که کسی نمی‌تواند موضوع خاصی را به عنوان موضوع تحقیق برای یک پژوهش‌گر تاریخ تعیین و مشخص کند. چرا که هر موضوعی حق حیات دارد و می‌شود درباره‌ی آن تحقیق کرد. از آنجا که با داشتن منابع کم و محدود نمی‌توان تاریخی با محیط آزاد داشت، منابع و مواد مورد نیاز هم باید آزاد و در دسترس باشند و هم باید برای گسترش منابع تاریخی از جمله منابع تاریخ محلی مانند خاطره‌نویسی و مصاحبه (تاریخ شفاهی) تلاش کرد.

۲- از آنجا که تمرکززدایی فقط یک فرایند نیست و نوعی شیوه‌ی زندگی و یک نوع درجه و مقام ذهنی است، تاریخ‌نگاری محلی شکلی از خودآگاهی برای پرورش شهروندانی را به وجود می‌آورد که دارای حس تعهد و وفاداری نسبت به محیط زندگی خود هستند. با این حال، هرچند امکان افراط‌گرایی و تحریک احساسات جدایی‌طلبانه وجود دارد، ولی با تعهد به اصول دموکراسی و اصل گفتگو برای رسیدن به تفاهم، امکان حل منازعات منطقه‌ای و محلی با یکدیگر و با حکومت مرکزی افزایش چشمگیری می‌یابد.